



رسولِ خوبی‌ها

من که در باغِ سبزِ خانه‌مان
مثل یک گل، لطیف و خوش‌بویم
تازه فهمیده‌ام چه اندازه
مهربان و قشنگ و خوش‌رویم

دوستانم شبیه من آرام،
دوستانم شبیه من زیبا
همه غرقِ صداقت و پاکی
همه صاف و زلال، چون دریا

چشم ما غرقِ شادی و امید
قلب ما چشمه‌ای پر از نور است
با وجود صدای خنده ما
غصه از قلبِ خانه‌ها دور است

دوست دارم هنوز بشناسم
این همه خوبیِ درونم را
سوره کوثرم کمک کن تا
برسم به رسولِ خوبی‌ها







قانون بازی

یک دوستم چاق است
یک دوستم لاغر
درس یکی خوب است
درس یکی بهتر

قانون اول چیست؟
یاری کوچک تر
قانون دوم چیست؟
ناراحتی‌ها، پَر

بازی ما آن روز
تمرین قانون بود
بر روی لب هامان
آیات «ماعون» بود

در بازی اما ما
با هم یکی هستیم
خوشحال و خندانیم
یک رنگ و یک دستیم

قانون بازی را
ما خوب می‌دانیم
ما یاد می‌گیریم
هم را نرنجانیم

